



شمس لنگرودی در نشست خبری فیلم «احتمال باران اسیدی»:

خسته بودم از نشستن و شعر گفتن

گروه ادب و هنر | روز سوم از سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر است که شمس‌لنگرودی پایش را به کاخ جشنواره می‌گذارد. او امسال بازیگری را در جشنواره و بر پرده سینما با فیلم «احتمال باران اسیدی» تجربه کرده است. فیلمی که مخاطبان برج میلاد و اصحاب رسانه را از در سالن راضی به بیرون فرستاد. شمس‌لنگرودی در این فیلم نقش آدمی تنها را بازی می‌کند. ارتباط برقرار نکردن او با دیگران این نقش را واقعی و ملموس کرده است. شمس به نشست خبری رفت و از دغدغه‌های بازی‌کردنش گفت.

او نخستین‌بار در سال‌های قبل از انقلاب در فیلم کوتاهی ساخته دوستش کاظم فرهادی بازی کرده و همین قضیه او را به سال‌های دهه ۹۰ می‌رساند تا او که این روزها شاعر مطرحی است به سمت سینما بیاید و سومین فیلم بلندش هم در جشنواره بر پرده ظاهر شود. اما شمس می‌گوید مشغله اصلی‌اش شعر است و با اینکه به موسیقی و سینما علاقه زیادی دارد اما همچنان شعر در اولویت کارهای اوست. او پیشتر خوانندگی کرده و در دو

طهماسب:کلاهقرمزی ۹۴منتظر توافق بامدیران جدیداست

گروه ادب و هنر | چند سالی است که شبکه دو سیما با برنامه نوروزی «کلاهقرمزی و آقای مجری» در میان شبکه‌های دیگر بی‌رقیب است و آمار بیشترین مخاطب در میان برنامه‌های نوروزی را به خود اختصاص می‌دهد. امسال نیز بنا بر این است که این اتفاق تکرار نشود. اما در حالی که شنیده می‌شود گروه مجوعه نوروزی «کلاهقرمزی و آقای مجری» را از اواخر بهمن ماه آغاز می‌کنند، ناصر طهماسب در گفت‌وگو با فرهیختگان می‌گوید: «هنوز با مدیران جدید برای ساخت وارد مذاکره نشده‌ایم.» طهماسب هر گونه اظهارنظری را به بعد از توافق با مدیران جدید سازمان صدا و سیما موکول می‌کند.



فیلم «فلامینگوی شماره ۱۳» حامد علیقلیان و «پنج در پنج» ساخته تارا اوتادی بازی کرده است. او در این نشست گفت که پیشنهاد بازی در فیلم «احتمال باران اسیدی» را کامبوزیا پرتوی که مشاور کارگردان این فیلم است به او داده است. شمس گفت: «دوست دارم آن چیزی را که در شعر به دنبالش هستم در

توصیه خسرو سینایی به فیلمسازان:

ریسک کنید و از ریسک نترسید



گروه ادب و هنر | آخرین سانس از روز سوم جشنواره متعلق به خسرو سینایی است. فیلمی که در جزیره هرمز ساخته شده و ماجرای واقعی را دنبال می‌کند. آخرین سانس، سینما خلوت‌تر است با این همه فیلم نزدیک اکران که می‌شود خسرو سینایی با گروه فیلمش روی صحنه می‌آیند تا طبق رسم جشنواره چند کلمه با مخاطبان حرف بزند. او با عصا روی صحنه می‌آید و خودش را مشتاق نشان می‌دهد برای شنیدن نظرات تماشاگران و از آنها می‌خواهد نظرات‌شان را بگویند. فیلم شروع می‌شود. فیلمی که سینایی درباره زندگی احمد نادعلیان ساخته است.

فیلم در شروع نمی‌تواند خودش را به آدم نزدیک کند. فیلمی که براساس واقعیت ساخته شده و روایتی مستندگونه دارد. او در عین اینکه خواسته به واقعیت نزدیک باشد داستانی را هرچند مختصر روایت می‌کند. اما این ساختار مستندگونه هرچه پیشتر می‌رود، ارتباطش با مخاطب را بهتر می‌کند و سرنوشت آدم‌های قصه را با نخعی باریک به تماشاگر گره می‌زند. شاید روایت مستند این فیلم در خیلی از لحظات نتواند با مخاطب ارتباط برقرار کند اما سینایی به می‌داند که قرار است فیلمی بسازد که مخاطب را به جزیره‌ای در خلیج‌فارس مشتاق کند و بگوید می‌توان خارج از تهران جذابیت‌های بسیاری را دید.

او که به جلسه نشست خبری فیلم آمده بود می‌گفت فیلم‌هایش نوعی زندگی بوده برایش و همین است که در ساخت این فیلم‌ها یک فرمول را دنبال نکرده است. سینایی می‌گوید فیلمش نوعی تجربه بوده اما این فیلم تجربی نیست. سینایی به نشست آمده بود تا حرف‌ها و دردلد‌هایش را بگوید و از نوع فیلمسازی‌اش حرف بزند که چقدر در ایران مهجور مانده و چه اندازه در سراسر جهان از همه نوع فیلمی حمایت می‌کند. او معتقد است اگر فیلم را برای پول گرفتن بسازند کار کردن سخت می‌شود و اگر برای لذت بردن فیلم ساخته شود ساختن فیلم راحت می‌شود. او گفت فیلمش در راستای زندگی است و بعد



محسن باقرزاده، مدیر انتشارات توس چشم از جهان فروبست

ناشر آثار ارزشمند

گروه ادب و هنر | در میان ناشران، مولفان و اهالی کتاب انتشارات توس نامی قابل احترام است که آن را مدیون مدیریتش،

ادب‌وهنر

www.Farheekhtegan.ir

Thu | 5 Feb 2015 | vol.06 | No. 1591

پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۳ | ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۳۶ | ۵ فوریه ۲۰۱۵ | شماره ۱۵۹۱

گزارش اول

سینما هم دنبال کنیم. فکر می‌کنم با شرایط سخت زندگی، اگر بتوانیم با شعر یا فیلم باری را از دوش کسی برداریم، موفق بوده‌ایم.» شمس که این روزها هم شاعر است و هم بازیگر می‌گوید که حضور در سینما به او انگیزه‌ای دوباره داده است. او از خانه نشستن و شعر گفتن خسته شده و همین است که بازیگری برایش نوعی تنوع است و می‌گوید که این فیلم به او روحیه و انرژی داده است.»

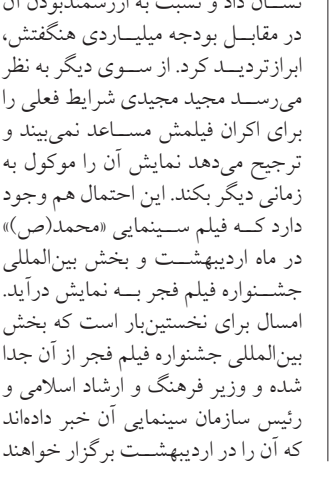
در ایران بازی نویسندہ‌ها در فیلم‌های سینمایی مسبوق به سابقه بوده است؛ از محمدعلی سپانلو تا منوچهر آذینی که در یک فیلم با هم همبازی بوده‌اند. اما شمس‌لنگرودی در نشستی دیگر در جریان جشنواره گفت که آمده تا در عرصه فیلم بماند و بازیگری را هم ادامه بدهد. «احتمال باران اسیدی» در بخش «نگاه نو» اکران می‌شود. این فیلم را بهتاش صناعی‌ها کارگردانی کرده و در کنار شمس‌لنگرودی بازیگران دیگری چون مریم مقدم و پوریا رحیمی‌سام بازی می‌کنند.

رئیس سازمان سینمایی در پاسخ به خبرنگاران تصریح کرد

حمایت از فیلمسازی بیضایی و تقوایی



گروه ادب و هنر | اکران‌شدن یا نشدن فیلم «محمد(ص)» ساخته مجید مجیدی همچنان یکی از مهم‌ترین حواشی جشنواره سی‌وسوم فیلم فجر است و خبرنگاران از همین بابت سراغ حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی رفته‌اند تا او در حاشیه دیدارش از کاخ جشنواره بگوید: «آقای مجیدی اعلام کرده فیلمش آماده است و فعلا مشغول بررسی شرایط مناسب اکران برای این فیلم است. البته احتمال اکران این فیلم در جشنواره بیشتر از اکران‌نشدن آن است.» گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای البته احتمال اکران‌نشدن این فیلم را در جشنواره سی‌وسوم ضعیف می‌دانند. فیلم تازه مجیدی قبل از اکرانش با حاشیه‌های زیادی روبه‌رو بوده و اکران آن نیز با توجه به اتفاقات فرانسه به موضوعی جهانی تبدیل شده است. جدای از آن با جوسازی‌های به‌وجود آمده حش و حوش آن، حساسیت‌هایی را نیز نسبت به آن در منطقه ایجاد کرده است. چندی پیش نیز ماجرای اکران آن دستمایه گزارشی در روزنامه گاردین قرار گرفت. جدای از این در ایران نیز این فیلم قبل از اکران با حاشیه‌هایی همراه بوده است. مجیدی در جریان بازدید اهالی رسانه از شهرک سینمایی محمد(ص) نسبت به کسانی که هنوز فیلمش را ندیده‌اند و آن را نقد می‌کنند، واکنش نشان داد. چند روز پیش سخنان مجیدی بود که یوسفعلی میرشکاک در نشست نقد و بررسی «رمان «شاه بی‌شین» محمدکاظم مرزبانی، نسبت به ساخت این فیلم واکنش نشان داد و نسبت به ارزشمندبودن آن در مقابل بودجه میلیاردری هنگفتش، ابراز تردید کرد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد مجید مجیدی شرایط فعلی را برای اکران فیلمش مساعد نمی‌بیند و ترجیح می‌دهد نمایش آن را موکول به زمانی دیگر بکند. این احتمال هم وجود دارد که فیلم سینمایی «محمد(ص)» در ماه اردیبهشت و بخش بین‌المللی جشنواره فیلم فجر به نمایش درآید. امسال برای نخستین‌بار است که بخش بین‌المللی جشنواره فیلم فجر از آن جدا شده و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس سازمان سینمایی آن خبر داده‌اند که آن را در اردیبهشت برگزار خواهند



ارزشمندش می‌اندازد. آثاری که در طول سال‌ها توانسته جایگاه بسیار خوبی در میان اهالی ادبیات پیدا کند. کتاب‌های این

فرهیختگان

چهره‌ها



گروه ادب و هنر | یکی از غایبان اصلی جشنواره فیلم فجر داریوش مهرجویی است. این کارگردان پیشکسوت سینمای ایران که قرار بود فیلم تازه‌اش را شروع کند، این روزها در محمدشهر کرج در خانه‌اش سرگرم نوشتن کتاب‌های جدیدش است و قرار است رمان «به خاطر یک رسید لعنتی» او به‌زودی در نشر قطره منتشر شود. ماجرای این رمان به مسائل فیلمسازی تعلق دارد که می‌خواهد پولش را از صدا و سیما بگیرد، اما با عوض شدن مدیریت آن با چالش‌ها و مشکلاتی مواجه می‌شود که تمام زندگی‌اش را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. «در سرزمین فرشتگان» رمان دیگری از مهرجویی است که قرار است راهی بازار کتاب شود. این رمان درباره زن و شوهر جوانی است که مستاجرند اما برحسب تصادف کارتی شبیه به لاتاری برنده می‌شوند و با تصور اینکه در آن سوی مرزها زندگی آنچنانی در انتظارشان است، تمام زندگی خود را به فنا می‌کشند. «خاطرات مهاجرت به پاریس» رمان دیگر او نیز در دست ویرایش است. این کتاب به خاطرات مهاجرت این کارگردان به فرانسه می‌پردازد و مهرجویی در آن بخشی از مشکلات کار حرفه‌ای خود را نوشته است.



گروه ادب و هنر | ۵۵ سال پیش رمان «کشتن مرغ مقلد» شهرت جهانی برای نویسنده‌اش به همراه آورد و حالا پس از آن همه سال هارپر لی ۸۸ ساله بنا دارد دومین کتابش را منتشر کند. «برو یک نگاهان بگذار» قرار است در ماه جولای وارد بازار کتاب شود. هارپر لی نسخه دست‌نویس این کتاب را مدت‌ها پیش گم کرده بود و حالا ویکسل این کتاب را پیدا کرده است. جان‌اتان برنهام ناشر خانم لی که حق انتشار آن را در اختیار دارد، انتشار این کتاب را رویدادی ادبی خوانده است. او می‌داند این رمان را خواننده دنباله «کشن مرغ مقلد» دانسته است. داستان این رمان ۲۰ سال پس از آن رخ می‌دهد که کتاب اول روایت می‌کند؛ وقتی ژان لویی که بیشتر به‌عنوان اسکات شناخته می‌شود، به شهر زادگاهش در آلاباما باز می‌گردد تا دیداری تازه کند.



گروه ادب و هنر | موفقیت‌های داخلی و خارجی فیلم «ماهی و گریه» باعث شده تا شهرام مکرری کارگردان آن دعوت‌های زیادی در ایران و خارج از کشور برای برگزای کارگاه آموزش فیلمسازی داشته باشد. مکرری از سوم اسفند به اهواز می‌رود تا در حاشیه نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی کارگاه فیلمسازی برگزار کند. برای نخستین بار است که در ایران، جشنواره‌ای با موضوع فیلم و عکس‌های علمی برپا خواهد شد. جشنواره فیلم‌های علمی اهواز سه بخش دارد و برگزارکننده آن دانشگاه شهید چمران است.

خسرو نشان، معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه شهید چمران دبیری این رویداد را بر عهده دارد.

نگاهی به نمایش «بازیچگان»

چراغ من در این خانه می‌سوزد



همایون علی‌آبادی

منتقدتاتر

واقعیت این است که نمایش‌های ناب و نایاب و طرفه ایرانی همیشه در هر مکان و منزلتی قابلیت‌های فراوانی برای روزآمد شدن و برافروختن چراغ کم‌سو و بلکه بی‌سو و تاریک تئاتر ایرانی دارند. درباره آدآپته کردن نمایش‌های تخت حوضی در واقع چه می‌توان بر صحیفه کاغذ و بر سریر قلم برنشانند که پس از سالیان دیر و دور از کارهای استاد علی‌نصیریان تا زنده‌یاد محمود استادمحمد و دیگران و نیز چهره‌هایی چون ذبیح‌الله ماهری، مهدی مصری و سعدی افشار که به قولی همگی زنده‌کننده و احیاگر یک مشت خنده‌خون‌اند سر برداشت و به آنان ادای احترام کرد. در برداشت‌های نو و تازه‌ای که از نمایش‌های تخت حوضی شده و بر سریر و اوج‌گاه تاتر ما تا به ابد ماندگار و خوش نشسته‌اند، می‌توان به «بنگاه تئاترال»، «تهران طهران»، «جان‌نثار» و «سلطان و سیاه» اشاره کرد که به همت بزرگانی چون نصیریان، استادمحمد و فتحعلی‌بیگی همواره زنده و گویا و مطرح و اقمیت نظر بر جای مانده‌اند. سیاه به اعتقاد من در نمایش‌های تخت‌حوضی از عصب و سلسله اعصاب و بن و بیخ نمایشی با کاراکتر «فسته» یا «فولیش» (foolish) در آثار شکسپیر و «آریکتو» در «کمدا دل آرت» شباهت‌های تئاتری، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی کاملا مشهودی دارند. این چهره‌ها بازگوینده دردها، آلام و رنج و تعصب‌های توده‌های مردم در برابر قدرتی و گردنکشی و چپاول‌گری شاهان و اصحاب زر و زور و تزویر و حرف‌های پنهانی مردمی است که در برابر این طاغوتیان می‌زیستند تا زمانی باری به چشم و گوش مردم اهل نظر و تاریخ‌نویسان برسند. مگر استاد علی‌نصیریان در اوج دوران ستمشاهی نمایش «بنگاه تئاترال» را در جشن هنر شیراز با سرترین عبارات و دلنشین‌ترین نکات و تمثیل‌ها و تلمیح‌ات صرموس سیاسی اجرا نکرد؟ اما مگر استادمحمد چه کرد؟ یا یژن مفید در نمایش «جان‌نثار»؟ همه اینان ریشه در این خاک پاک طریقت دارند.

مگر در تخت حوضی، «مبارک» این یک مشت خنده خونین چه می‌گوید؟ کلام مشایخ صوفیه و در راس آن شاعری چون اسیف فرغانی، همان سخن تخت حوضی را با بیان شعر وامی‌گوید. من بر این باورم که یکی از راه‌های برون‌رفت تئاتر معاصر ما از این چاله مرزهایی که حالیا و اکنون و این‌سا در آن گرفتار آمده و به قولی «گری» کرده همین احیا کردن نمایش‌های سنتی و آیینی است. آری چراغ‌هایی در این خانه می‌سوزد و تا امروز مگر همین «Gehte» یا برجسته تئاتر ایرانی کارنامه کم و اندکی از برآمدن و بر غافلیدن و جهش و جوشش هنر ما دارد که حالیا پیبای از فرنگ و مستغرق که الحمدلله و المنه به یمن ماهواره و اینترنت هر روز از درام‌نویس لدی‌الورودی به خورد خلق‌الله می‌دهند، چرا تخت‌حوضی‌ها، نقال‌بازان، خیمه‌شب‌بازی‌ها و شبیه‌خوانی‌ها ندرخشند و نوغوا نکنند و حرف دل مردم این جماعت و جمعیت تئاترشناس و تئاتردوست را روز به روز تازه‌تر و شاداب‌تر نزنند؟

حسن رونده یک تئاتری

تمام‌عیار است. قول و فعلش تاتر است و هماره درصدد ایجاد و ابداع لحظه‌های ضرابهنگ‌دار با تمپرانت‌های تئاتری است. خوش است حسن عزیز در نمایش مورد بحث ما نیز که بزرگ‌ترین دشواری‌اش سالن کوچک تاتر گوشه فرهنگسرای نیاوران است فی‌الواقع سنگ تمام گذارده. ستنی که همیشه و هماره حفظ شده و با چاشنی‌هایی ملیح و نمکین امروزی اینجایی شده. باید آل را دید که با طنزبازی سیاه‌خنده را بر دل و دیده نشانند و لذت برد. من نمایش «بازیچگان» را میوه دیگر از دخت تناور و نمایش ایرانی می‌دانم. باری ما هم این یادمان باشد که هر که بی‌هنر افتد نظر به عیب‌کند. ما در کار پی عیب‌جویی نیستیم. آدینه شی را به خوشی و سرخوشی به لطف گروه «گل‌پنک» دیدیم و حظ وافر بردیم و از ته دل خندیدیم و به راستی مگر برشت نگفت که: «نمایشی که نتوان در آن خندید باید به آن خندید.» برشت عبوس و ایدئولوگ و تعلیمات چپ روانه کجا و کمدا دل‌آرت و تخت‌حوضی کجا؟ نه دوستان، فکر بیهود خود ز دری دیگر کن. حسن رونده خسته نباشی و برقرار و مسئول و متفکر هماره‌بمانی که اساسا ایدئولوژی فرغ بر تفکر است.

